

پزشکی قانونی تهران فاش کرد:

### داستان دروغ دختر فراری از خانه

دختر تهرانی که از خانه فرار کرده بود پس از بازگشت به خانه برای حفظ آبرویش یک سناریوی عجیب مطرح کرد.

اوایل هفته گذشته دختر جوانی با دست و پا‌های زخمی پادر دادرسی امور جنایی تهران گذاشت و از ماجرای روده نداشتن از سوی مرد جوانی پرده برداشت. دختر جوان در اظهاراتش به بازپرس جنایی گفت: سه روز قبل مرد جوانی را که در فضای مجازی (اینستاگرام) با او آشنا شده بودم در خیابان دیدم و چون به او اعتماد داشتم سوار بر خودرویش شدم و در مسیر سرگرم صحبت مدلم بودم که ناگهان مرد جوان مسیرش را تغییر داد و با تهدید چاقو مرا به یک خانه برد. وی افزود: هر چه التماس کردم بی فایده بود و مرد جوان در مدت سه روز مرا مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار داد تا این که در روز سوم وقتی او خواب بود توانستم در خانه را باز کنم و از اسارتگاهش فرار کنم. همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای دستگیری مرد جوان وارد عمل شوند و دختر جوان نیز برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا این که مرد جوان در مخفیگاهش دستگیر شد و زمانی که ماموران را پایش روی خود دید شو که شده ادعای بیگناهی کرد. تحقیقات در این پرونده ادامه داشت تا این که ماموران پی بردند ادعاهای دختر جوان دروغ بوده و برای ردگم کنی این سناریو را طراحی کرده‌است. مهتاب وقتی در برابر مدارک پلیسی و پزشکی قانونی قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و گفت: روزی که از خانه خارج شدم با توجه به شناختی که از مرد جوان داشتم به خانه‌اش رفتم و در این سه روز هیچ یک از اعضای خانواده‌ام از من اطلاعی نداشتند تا این که حوصله‌ام سر رفت و تصمیم گرفتم به خانه بازگردم. دختر جوان گفت: چون نمی‌خواستم خانواده‌ام به خاطر فرار از خانه نگاه‌شان به من تغییر کند با چاقو اقدام به خودزنی در دست و پا‌هایم کردم و فکر نمی‌کردم این سناریوی ساختگی فاش شود تا این که مرد جوان دستگیر شد و ادعاهای مرد دروغ‌داست و پزشکی قانونی نیز محل زخم‌ها را خودزنی اعلام کرد و من به ناچار لب به اعتراف گشودم. بنا بر این گزارش، تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

### پیوند اعضای بدن یک مرد بعد از درگیری مرگبار

اعضای بدن مرد جوانی که بر اثر درگیری دچار مرگ مغزی شده بود، به بیماران نیازمند اهدا شد. روز ۱۷ تیر امسال مرد ۲۹ ساله‌ای برای اهدای عضو به بیمارستان سینای تهران انتقال یافت. این مرد جوان بر اثر درگیری در یک کمپ ترک اعتیاد در ماه‌دشت کرج مرگ مغزی شده بود که با موافقت خانواده وی و مقام قضایی، اعضای بدن این جوان پس از انتقال به بیمارستان سینا به بیماران نیازمند انتقال یافت. پرونده این قتل نیز با اعلام مراتب به قاضی کامران رضوانی؛ بازپرس شعبه هشتم دادرسی امور جنایی تهران با توجه به مکان وقوع حادثه با صدور قرار عدم صلاحیت رسیدگی و برای بررسی بیشتر به دادرسی مربوط در کرج ارسال شد.

## ۳ متهم دیروز در دادگاه کیفری تهران محاکمه شدند

# آدم ربایی بادستور هدایتی!



سه مرد جوان که از سوی ابربدعکار بانکی معروف اجیر شده بودند دیروز محاکمه شدند. آن‌ها ماموریت داشتند تا چک دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی را از مرد پولدار پس بگیرند.

اوایل سال ۹۵ مرد دوتمندی به نام رضا به پلیس آگاهی تهران رفت و به ماموران گفت سه مرد که خودشان را مامور پلیس معرفی کرده بودند پسر ۱۸ ساله‌اش به نام سینا را ربوده‌اند.

وی توضیح داد: وقتی سینا قصد داشت با ماشین مدل بالای من از خانه بیرون برود، سه مرد جوان که خودشان را مامور پلیس معرفی کرده بودند مقابل پارکینگ جلوی راهش را بستند و با تهدید تفنگ اورا ربودند.

آن‌ها پس از کتک زدن و شکنجه پسرمر اورا رها کردند و رفتند. با این شکایت؛ پلیس به ردیابی ماموران قلابی پرداخت و با توجه به اختلاف حساب‌های مرد پولدار با یکی از دوستانش به نام حسین هدایتی (ابردعکار بانکی که پرونده وی در دادگاه سرسایه در دست بررسی است) وی را به عنوان مظنون شناسایی کرد.

در حالی که فرضیه اجیر کردن ماموران قلابی از سوی هدایتی قوت گرفته بود پلیس رد سه مرد جوان را یافت و آن‌ها را بازداشت کرد. این آدم‌باها دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به

در دست پدرم بود پس بگیرند. آن‌ها بعد از چند ساعت مرا رها کردند و من از آن‌ها شکایت دارم.

سپس سه آدم‌ریا که همگی با قرار وثیقه آزاد بودند به دفاع پرداختند. یکی از آن‌ها مدعی شد: ما از قبل حسین را که حالا به دلیل بدهکاری بانکی در زندان است می‌شناختم. او حامی مالی شرکت‌های بزرگ و مرد شناخته‌شده‌ای بود. او گفته بود باید چک دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی را که دست مصطفی دار دیس بگیریم و در عوض در صدی از آن پول را به ما بدهد.

او مشخصات خود روی مصطفی را به ما داد و ما از روی شماره پلاک ماشین، آدرس خانه مصطفی را پیدا کردیم و مقابل خانه مرد پولدار رفتیم. ما وقتی دیدیم یک مرد سوار ماشین مدل بالا از پارکینگ خارج شد به سراغ او رفتیم و خودمان را مامور معرفی کردیم اما بعد از این که سوار ماشین شدیم متوجه شدیم پسر جوان را به جای پدرش گرفته‌ایم ما آدم‌ربایی را قبول نداریم چون به پسر جوان آسیبی نزدیم و پس از چند ساعت اورا رها کردیم.

دو آدم‌ربای دیگر نیز منکر آدم‌ربایی شدند و گفتند به اشتباه پسر جوان را به دام انداخته بودند در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و رای صادر کنند.

### سریال مصیبت بار قاچاق انسان

## حادثه‌هولناک رانندگی با ۶ کشته و ۷ زخمی در کرمان

سواری پژو حامل اتباع غیرمجاز بایک دستگاه خودروی دنا به شدت تصادف کرد. به گزارش خبرنگار ما صبری افزود: در این حادثه شش نفر در دم جان خود را از دست دادند و هفت نفر به شدت زخمی شدند که توسط عوامل امدادی اورژانس به بیمارستان شهید باهنر کرمان منتقل شدند که حال پنج نفر از آن‌ها وخیم گزارش شده‌است.

**توکلی** – تصادف مرگبار دو خودروی سواری در کمربندی شهر کرمان، شش کشته و هفت زخمی به جا گذاشت. رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیر مرکز حوادث دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: در این حادثه که شامگاه دوشنبه در کمربندی شهر کرمان حداقل جویار و باغین رخ داد یک دستگاه خودروی

وی خاطر نشان کرد چهار نفر از جان باختگان و پنج نفر از زخمی‌های این حادثه از اتباع افغانی هستند. سرهنگ نصیری سرپرست پلیس راه استان کرمان گفت: علت این حادثه از سوی کارشناس پلیس راه، تجاوز به چپ سواری پژو پارس نسبت به سواری دنا گزارش شده‌است.

## حوادث

## ۱۳

### عاشق پیشه باج گیر!

گرفته‌است تا مرهمی بر زخم‌هایم باشد. خلاصه این آشنایی خیابانی با درد دل‌های من و سختی‌هایی که در زندگی کشیده‌بودم شکل عمیق‌تری به خود گرفت. او هم ساعت‌های پای‌دلتنگی‌هایم می‌نشست و به من برای فراموش کردن تیره‌روزی‌های زندگی امید می‌داد تا جایی که از سیر تاپیاز زندگی امرامی‌دانست. هنوز دو هفته بیشتر از این آشنایی نمی‌گذشت که پیشنهاد ازدواج داد، من که از پیشنهاد او تعجب کرده‌بودم اختلاف ۱۰ ساله سنم را به او یادآور شدم ولی «ادریس» بدون تأمل گفت: اگر چه من ۱۰ سال کوچک‌ترم اما این موضوع دره‌ای برایم اهمیت ندارد. با این حال از من خواست قبل از آن که به طور رسمی ازدواج کنیم مدتی با یکدیگر رفت و آمد داشته باشیم به‌یشتتر همدیگر را بشناسیم و به جزئیات اخلاق و رفتار هم پی‌بریم. من هم این درخواست اورا پذیرفتم چرا که موضوعی معقول به نظر می‌رسید از آن‌روز به بعد ادریس به بهانه‌های مختلف از من پول قرض خواست قبل از آن که به‌تنی‌خواستم اورا به‌خاطر پول از دست بدهم یا از من دلخور شوم مقدار زیادی از پس‌اندازم را به او قرض دادم اما مدتی بعد احساس کردم اوقصد سوءاستفاده از مرادارد و به فکر ازدواج با من نیست این موضوع را زمانی دریافتم که او به بهانه دریافت وام بانکی مبلغ هنگفتی سفته برای یک ضمانت‌واهی از من گرفته بود وقتی آخرین بار به درخواست پول پاسخ منفی دادم کارش به تهدید کشید و گفت: اگر چندین میلیون تومان ندهم به فرزندان همسر مرحومم می‌گوید که با من رابطه داشته‌است و آن‌ها هم با همین اتهام می‌توانند از دریافت حقوق بازنشستگی شاپور جلوگیری کنند. در حالی که مستأصل بودم و از آبروریزی می‌ترسیدم تسلیم حرف‌هایش شدم به طوری که دیگر حتی بخش زیادی از حقوق بازنشستگی همسر مرحومم را نیز به او می‌دادم و خودم مجبور بودم در ستوران‌ها کار کنم وقتی کارد به استخوانم رسید و دیگر پولی به او ندادم جوان شرخ‌راا جبر کرد تا با تهدید من سفته‌های سیاره‌ابه‌اجر ابگذار دو...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ نوروزی (رئیس کلانتری شفا) این پرونده به مراجع قضایی ارسال شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

فقط به خاطر یک آشنایی خیابانی چنان به درسر افتادم که مجبورم برای این اشتباه بزرگ باج‌بدهم و حق السکوت پرداخت کنم چرا که آن جوان عاشق پیشه، اکنون از این رابطه خیابانی سوءاستفاده می‌کند و قصد دارد که... زن ۴۰ ساله که برای رهایی از مزاحمت‌های یک شر و فرار از چنگ جوان باج‌گیر دست به دامان قانون شده بود در باره ماجرای سفته‌هایی به رنگ نیرنگ و باج‌خواهی به کارشناس اجتماعی کلانتری شفا مشهد گفت: بعد از مرگ همسرم چندین سال به‌تنهایی زندگی کردم اما بالاخره آن قدر پشت‌سرم حرف‌های نامربوطی زدن و نیش و کنایه‌هایی از اطرافیانم شنیدم که تصمیم به ازدواج دوباره گرفتم در این شرایط بود که با «شاپور» آشنا شدم و برای‌هایی از این وضعیت به عقد او درآدم. شاپور ۳۰ سال از من بزرگ‌تر بود اما وضعیت مالی خوبی داشت و حقوق بازنشستگی هم دریافت می‌کرد با وجود این مهر او در دلم‌نشسته بود به طوری که زندگی مشترک خوبی داشتیم و من همراه و همسفرش بودم ولی فرزندان او که از ازدواج پدرشان بسیار ناراحت بودند همواره مرا تحقیر می‌کردند و مدعی بودند که به خاطر ثروت پدرشان قدم در زندگی مادر مرحومشان گذاشته‌ام و به همین دلیل خیلی به من بی‌احترامی می‌کردند. این اختلافات زمانی به اوج خودش رسید که شاپور سه‌سال بعد از ازدواجمان بر اثر سکنه قلبی دارفانی را وداع گفت و من باز هم تنها شدم. در این شرایط رفتار فرزندان او به حدی زشت و زننده شد که به ناچار و برای حل مشکل ارثیه کار ما به دستگاه قضایی کشید چرا که فرزندان او معتقد بودند من هیچ‌حق از ارثیه ندارم و تنها سه‌سال به پدرشان خدمت کرده‌ام در حالی که این حرف‌ها از رمی‌داد و دوباره به‌زنی افسرده‌ویی کس تبدیل شده بودم به ورزش روی آوردم تا از این وضعیت روحی خلاص شوم اما چند ماه قبل هنگامی که بایکی از دوستانم در پارک نزدیک منزل‌مان مشغول ورزش بودیم با «ادریس» آشنا شدم او که به بهانه آموزش شیوه درست نرمش‌های ورزشی به ما نزدیک شده بود بسیار جذاب و مهربان به نظر می‌رسید به همین خاطر من هم احساس کردم می‌توانم به او تکیه کنم با خودم می‌اندیشیدم «ادریس» سرهم‌قرار

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

# آگهی مناقصه



شهرداری بندرعباس

شهرداری منطقه سه بندرعباس

**شهرداری منطقه سه بندرعباس** در نظر دارد پروژه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط و دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر واگذار نماید شرکتهای واجد شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مربوطه حداکثر ظرف مدت هفت روز از تاریخ نشر آگهی به آدرس: بلوار جمهوری اسلامی- بعد از کوی پلیس شهرداری منطقه ۳ از تاریخ ۹۸/۰۴/۱۹ لغایت ۹۸/۰۴/۲۹ مراجعه نمایند.

۱- شهرداری در رد یا قبول یک و یا کلیه پیشنهادها مختار است.

۲- چنانچه برندگان مناقصه از انعقاد قرارداد خودداری نمایند به ترتیب اولویت سپرده شرکت در مناقصه آنها به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۳- آخرین مهلت جهت ارائه پیشنهادها پایان وقت اداری سه شنبه مورخ ۹۸/۵/۱ و تاریخ بازگشایی ساعت ۱۳ روز چهارشنبه ۹۸/۰۵/۰۲ در محل شهرداری منطقه ۳ می‌باشد.

۴- حضور پیشنهاد دهندگان یا نمایندگان قانونی آنها در روز بازگشایی پاکات مجاز می‌باشد بدیهی است عدم حضور مانع از تشکیل و تصمیم‌گیری کمیسیون نمی‌باشد.

۵- بهای پیشنهادی باید از حیث مبلغ مشخص، معین و بدون ابهام بوده و در پاکات لاک و مهر شده تسلیم شود.

۶- برنده مناقصه مکلف است ده درصد مبلغ کل قرارداد را به عنوان ضمانت حسن انجام معامله در موعد مقرر به شهرداری تودیع نماید.

۷- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شرط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه مالی شهرداری می‌باشد.

۸- به ازاء هر روز تاخیر در اجرای مبلغ ۷,۰۰۰,۰۰۰ به عنوان جریمه از مطالبات برنده مناقصه کسر می‌گردد.

۹- مبلغ پیش پرداخت در قبال ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر تا سقف حداکثر ۲۵ درصد با تأیید شهرداری منطقه سه قابل پرداخت می‌باشد.

۱۰- شهرداری می‌تواند در صورت ضرورت حداکثر تا ۲۵ درصد حجم قرارداد را با همان مبلغ اولیه قرارداد کسر یا اضافه نماید و پیمانکار در این خصوص اعتراضی ندارد.

۱۱- هزینه نشر آگهی از برنده مناقصه دریافت می‌گردد.

۱۲- میزان سپرده شرکت در مناقصه به مبلغ تعیین شده در جدول ذیل به صورت واریز نقدی یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی به حساب سپرده‌های شهرداری عهده بانک ملی به شماره حساب ۰۱۵۹۴۲۴۹۰۰۰۴ ضمانت‌نامه معتبر بانکی دارای حداقل چهارماه اعتبار می‌باشد. (چک تضمین شده بانکی یا اسناد مطالبات قابل قبول کمیسیون نمی‌باشد).

۱۳- این آگهی برابر آیین‌نامه معاملات جدید شهرداری تهران و تسری به مراکز استانی صرفاً یک نوبت منتشر می‌شود.

۱۴- سایر جزئیات و مشخصات در اسناد مناقصه قید گردیده‌است.

۱۵- شماره حساب خرید اسناد مناقصه ۰۱۵۹۴۲۴۶۵۰۱ مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال بانک ملی بحساب شهرداری منطقه سه.

ردیف	عنوان پروژه	برآورد اولیه	سپرده شرکت در مناقصه	مدت انجام کار
۱	پیاده‌رو سازی بلوار شهدا	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه
۲	اصلاح هندسی معابر سطح شهر	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه
۳	پیاده‌رو سازی بلوار ساحلی (طالقانی)	۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۵,۰۰۰,۰۰۰	۴ ماه
۴	پیاده‌رو سازی بلوار پاسداران	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه
۵	بازسازی و مناسب سازی پیاده‌رو سطح شهر محدوده منطقه سه	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۵,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه
۶	بهرسازی تقاطع‌ها و گذرگاه‌های عابر پیاده	۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه
۷	بدنه سازی و پیاده‌رو سازی سطح شهر محدوده منطقه سه	۲,۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵,۰۰۰,۰۰۰	۳ ماه

روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری بندرعباس

## آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای ۲-۳/م/۹۸

**مدیریت مخابرات منطقه مرکزی** در نظر دارد انجام عملیات کابل‌کشی فایبر نوری USO۲ (هندودر-بن‌گنبد) را به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید لذا از کلیه فعالان در این زمینه دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت مخابرات منطقه مرکزی برای دانلود مراجعه و یا با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به شماره حساب جام ۱۶۶۰۸۶۰۸۹۲ نزد بانک ملت شعبه اراک بنام مخابرات منطقه مرکزی با کد شناسه ۰۱۲۷۰۶۶۰۸۰۳۱۰۰۰ به نشانی ذیل مراجعه و پس از تکمیل اسناد مذکور، پاکتهای پیشنهادی خود را حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۹ به واحد قراردادها تحویل نمایند.

(شرکت کنندگانی که اسناد را از طریق سایت دانلود می‌نمایند نیازی به پرداخت فیش ندارند).

نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی قابل تمدید دارای حداقل سه ماه اعتبار در وجه شرکت مخابرات ایران- مدیریت منطقه مرکزی، چک تضمین بانکی یا اوراق مشارکت.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال

تاریخ بازگشایی پاکات قیمت: پس از ارزیابی فنی و مالی

مکان دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات (پاکتهای مناقصه): اراک خیابان دانشگاه سه راه خانه سازی قنات انتهای خیابان شقایق ساختمان شماره ۱ مخابرات طبقه همکف واحد قراردادها.

توجه: به پیشنهادهای فاقد امضاء، مخدوش، مشروط و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت مخابرات در قبول و یا رد هر یک با تمام پیشنهادات مختار می‌باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط، در اسناد مناقصه مندرج است.

تلفن تماس: ۳۲۲۶۱۰۰۳ واحد قراردادها

جهت دانلود اسناد مناقصه به نشانی [www.tcimarkazi.ir](http://www.tcimarkazi.ir) مراجعه گردد.

مدیریت مخابرات منطقه مرکزی